



۲۰۱۵/۱۰/۳۰



استاد محمد ظریف امین یار

صلاح الدین ربانی وزیر خارجه وزارت داخله!

رفتار های سیاسی ریاست اجرائیه حکومت وحدت ملی کمتر به یک ارگان ارشد دولتی و بیشتر به یک ارگان اپوزیسیون سیاسی مشابهت دارد. اکثر موضعگیری های این ریاست بر اصل انتقاد، جلال گرفتن و وارد کردن فشار بالای حکومت وحدت ملی استوار است. داکتر عبدالله و تیم اش از یک طرف شریک ۵۰ در صد این حکومت اند و از جانب دیگر موقف اپوزیسیون سیاسی حکومت را نیز تصاحب کرده اند. اعضای این ریاست با حکومت وحدت ملی ظاهراً همکار معلوم میشوند اما همواره بالای حکومت داکتر غنی برای امتیاز طلبی فشار وارد میکنند و رییس جمهور حکومت وحدت ملی را هوشدار های سیاسی میدهند. این ریاست یکنوع انارشیزم و دگرگونی عجیبی را در کشور ایجاد نموده که موجب بی اعتمادی مردم بالای حکومت گردیده. یکی از اشخاص مهم این ریاست وزیر خارجه کشور آقای صلاح الدین ربانی هست. او بالاخره از برکت شخصیت سیاسی پدرش توانست به مقام وزارت خارجه حکومت وحدت ملی جمهوری اسلامی افغانستان برسد. چوکی ایکه به هیچ وجه به شخصیت، ظرفیت و اهلیت آقای صلاح الدین ربانی همخوانی ندارد. گفته میشود او نه درآیت و نه هم تخصص این چنین موقف های کلیدی دیپلماتیک را دارد.

از وقتی که آقای صلاح الدین ربانی به سمت وزیر خارجه حکومت وحدت ملی تقرر یافته همواره مرتکب اشتباهات سیاسی گردیده. مثلاً سفر آقای صلاح الدین ربانی به پاکستان و ملاقات آن با نواز شریف صدر اعظم پاکستان و دیگر دیپلمات های پاکستانی مملو با اشتباهات بزرگ و جبران ناپذیر سیاسی و دیپلماتیک برای افغانسان بود. رسانه های پاکستانی در مورد رفتار های کودکانه و نا آگاه دیپلماتیک آقای ربانی تمسخر کردند و افغانستان یکبار دیگر بعد از ضرار احمد مقبل خجالتی و ناکامی دیپلماتیکی را در روابط بین الملل خود متحمل شد. سفر دیگر آقای صلاح الدین ربانی به ایالات متحده آمریکا بود که آن سفر نیز عاری از اشتباهات نبود. در این سفر نیز آقای ربانی از جانب دیپلمات های آن کشور پذیرایی درست نشد و با ایشان رفتار سرد دیپلماتیک صورت گرفت. علت این رفتار واضح است که حکومت آمریکا از موقف و ظرفیت ایشان آگاه بود و عمداً نخواست با ایشان رفتار دیپلماتیکی که شایسته یک وزیر کشور مستقل است را انجام دهند.

در بعد سیاست داخلی نیز آقای صلاح الدین ربانی کدام دست آورد ملموس ندارد. او متهم به تداخل وظیفوی و نقض قوانین کشور گردید. مثلاً بعد از حادثه کندز آقای صلاح الدین ربانی به وظیفه وزیر صاحب دفاع و وزیر صاحب داخله کشور تشبیت میکند و سفر های جنگی انجام میدهد. این اقدام او کاملاً در تضاد به قوانین افغانستان واقع است و ثابت میکند که یا آقای صلاح الدین ربانی از سیاست و اصول حکومتداری آگاهی کافی ندارد یا هم عمداً میخواهد تداخل وظیفوی را بعنوان ابزار فشار بالای ارگ و تحقق اهداف شخصی و حزبی استفاده کند. او در سخنرانی های خود گفت که دولت افغانستان باید در مورد وضعیت کندز هرچه عاجل اقدام کند، در غیر آن او با مردم شمالی یکجا شده با استفاده از جهادی های مسلح غیر مسوول اقدام خود سرانه خواهند کرد. حالا سوال اینجاست که این موضوع چه ارتباطی به وزیر خارجه دارد؟ مگر وزارت خارجه حیطة کاری اش اتخاذ تصمیم در مورد جنگ داخلی است! از سوی دیگر آیا آقای صلاح الدین ربانی وزیر خارجه همین دولت نیست؟ و آیا موضوع گیری از ادرس اپوزیسیون سیاسی غیر رسمی توسط وزیر خارجه کشور در برابر حکومتی که او را وزیر گزیده است منطقی و قابل توجه است؟ این حرکات او نه تنها که نشانگر وجود تناقضات ژرف بین تیم داکتر عبدالله و داکتر غنی است بلکه حاکمیت حکومت وحدت ملی را نیز زیر سوال میبرد.

علاوه بر این آقای صلاح الدین ربانی همواره در نشست های سیاسی کنگره حزب جمعیت اسلامی نیز اشتراک مینماید. باوجودیکه او میداند اشتراک آن در اینگونه مجالس غیر رسمی متناقض به قانون کشور است. بانهم اینکه

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

از حضور در این نوع نشست های که اجندا آن ترویج ذهنیت خلاف دولت فعلی است؛ اجتناب نمیکند؛ قابل مکث است! بر اساس قوانین افغانستان هیچ مامور برحال حکومت نمیتواند عضو حزب سیاسی ای باشد که خلاف دولت موضعگیری کند، حرف بزند یا موضع اختیار کند. این اشتراک ورزی ها در نشست های حزبی او نشان میدهد که آقای ربانی در تلاش است حکومت وحدت ملی را بی اعتبار کند یا به عباره دیگر او همواره اصالت حزبی وسمتی را بر اصالت ملی و حکومتی اولویت میدهد. این اجندای جلال گرفتار و دیسکریدت کردن حکومت وحدت ملی به ظاهر معلوم میشود از طرف ریاست اجراییه حکومت وحدت ملی طرحه شده است. چرا که تمام وزرا یکه وابستگی سیاسی آنها به ریاست اجراییه میرسد، مشغول سیاست دو منظوره اند.

آقای صلاح الدین ربانی در این مدت کوتاه ای که در چوکی وزارت خارجه نشسته، دستخوش اشتباهات زیادی شده است مثلاً او به عزاداری فرمانده جان احمد خان (شخصیکه مهمات غیر قانونی را بخود داشت و از طرف آمریکا مورد آماج قرار میگردد) رفت. این غم شریکی حزبی و سمتی او موجب شکست داوطلبانه حثیت سیاسی اش شد. با غم شریکی به یک فرمانده جهادی غیر مسوول آقای ربانی داوطلبانه بر شخصیت خود برچسپ حزبی و سمتی را تصدیق کرد. بنظر میرسد از همان آغاز کار آقای صلاح الدین ربانی سخت در تلاش از بین بردن اعتماد مردم بالای حکومت وحدت ملی است. هرچند او نیز مامور ارشد این حکومت است و بی اعتباری این حکومت بی اعتباری او هم عنوان میشود، بانهم معتقد است این موقف آن به نفع ریاست اجراییه و کشور خواهد بود.

از جانب دیگر ریاست اجراییه حکومت وحدت ملی طوریکه میدانید همواره از ستون پنجم حرف میزند ولی کمتر در مورد چگونگی ماهیت آن صحبت میکند. گفته میشود خاک انداختن به چشم مردم و جلال گرفتن مبدل به یک سیاست دیرینه معقول برای این گروه شده است. این سیاست ضد ملی و بشری همیشه منتج به برآیند مثبت برای این گروه گردیده. به باور اکثر کارشناسان سیاسی ستون پنجم در داخل حکومت وحدت ملی بجز جنگسالاران و گروه های مجاهد دیگر چیزی نمیتواند باشد. چرا که این گروه گفته میشود بخاطریکه در پاکستان، ایران و شوروی و غیره دوسیه های استخباراتی دارند؛ زیرا در برابر آنها صریحاً قرار گرفته نمیتواند. مثلاً وقتی جنرال حمید گل رییس اسبق اداره سیاه استخبارات پاکستان فوت میکند به زودترین فرصت سران مجاهدین داخل افغانستان جلسه دایر میکنند و در پیوند به افشا شدن احتمالی نامه های آن توسط کتاب نوشته شده جنرال حمید گل نگرانی های خود را نشان میدهند. بعداً آنها به پاکستان سیگنال سبز نشان میدهند و فرمان پاکستان را در مورد قطع پروسه صلح قبول میکنند. این درست همان زمانی بود که سران جهادی خواستن ائتلاف بزرگ چند حزبی را علیه داکتر غنی تشکیل دهند. داکتر غنی ناگذیر پیشنهاد آنها را پذیرفت و بدین وسیله پروسه صلح توسط پاکستان با حمایت قاطع مجاهدین متوقف شد.

اکثر مردم افغانستان معتقد اند که عملیات مافیایی در داخل کشور، الیگارش، اقتصادی، تطهیر پول، اختطاف، قتل، جنایات و دیگر جرایم از جانب قوماندان مسلح غیر مسوول این گروه های زورمند رهبری میشوند. مجاهدین در داخل دولت قرار گرفته در سدد و سعی بدنام کردن و بی اعتبار کردن حکومت وحدت ملی اند. زیرا آنان میدانند که دولتی مقتدر و قانونمند به مفهوم ختم پادشاهی سیاه آنها خواهد بود. طوریکه قبلاً نیز تذکر یافت پروسه صلح که اساسی ترین نیاز ملت افغانستان است، از جانب پاکستان با همکاری همین گروه ها اختطاف و بسوی نامعلوم سوق داده شد. به حافظه ای تان بسپارید که اینها هرگز نمی خواهند طالبان شریک حکومت وحدت ملی گردند. چون در آنزمان این گروه دیگر گروه مقتدر در حکومت بشمار نخواستند رفت، بنابر این در آن زمان نمیتوانند از حکومت باج و امتیاز مطالبه کنند و به فعالیت های نامشروع و غیر قانونی خود همچنان ادامه دهند.

آقای صلاح الدین ربانی یکی از مهره های اساسی این گروه بشمار میرود. او با درک اندک که از سیاست افغانستان دارد معتقد است که با ادامه دادن به بد رفتاری سیاسی، سیاست توطیه و سیاست حذف میتواند اهداف حزبی خود را بدست بیاورد. او همچنان معتقد است که با پیاده کردن ستراتیژی دیسکریدت کردن (طرحه ریاست اجراییه برای کنار زدن داکتر غنی در طویل مدت) میتوانند داکتر غنی را زمین گیر کنند. به ظاهر پیامد این سیاست توطیه (Conspiracy) خیلی موفق نیز ثابت گردیده است. چرا که مجاهدین هم توانسته اند بیلائس ناکارآمدی حکومت

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

وحدت ملی را بالای داکتر غنی بار کنند و هم از داکتر غنی برای بدست آوردن امتیاز حکومتی و سیاسی پیروز شوند. مثلاً در قضیه کندز با استفاده از ابزار های تبلیغاتی والی آن ولایت را کنار زدند، نام داکتر غنی را در اذهان عامه بنام کردند و امان الله گذر و دیگر مجاهدین را به سمت های کلیدی رساندند. من باورمند هستم در قضیه کندوز دست اینها یا به شکل مستقیم و یا هم غیر مستقیم آلوده است و میدانم این مجنون های قدرت برای کنار زدن داکتر غنی در ولایات دیگر نیز همین ستراتیژی را مدنظر خواهند داشت.

حالا اینکه رییس جمهور در برابر اینگونه حرکاتی نامعقول، ضد ملی و خلاف حکومت وحدت ملی چرا واکنش اصلاحی و بجا نشان نمیدهد سوالیست که اذهان ملت افغانستان را مغشوش و کرده و مردم برای پاسخ آن بی صبرانه منتظرند. اما به ظاهر دیده میشود رییس جمهور همواره سیاست گذشت را اولویت میدهد. هرچه این گروه از ریاست جمهوری تقاضا میکنند، رییس جمهور داکتر غنی ناگزیر در اختیار آنها قرار میدهد. محاسبه رییس جمهور این است که بالاخره این بد رفتاری سیاسی آنها را میتواند با سیاست گذشت و مصلحت مدیریت کند. اما من معتقدم که داکتر غنی در این موضوع مرتکب اشتباه سیاسی جبران ناپذیر گردیده است. رییس جمهور از عاقبت داکتر نجیب ناخبر است یا هم فراموش کرده اما ملت افغانستان خوب بیاد دارد که سیاست گذشت و مصلحت با این گروهها برآیند مثبت ندارد زیرا آزموده را آزمودن خطاست. امروزه که وضعیت این گروهها با تشکیل جبهه دفاع از وطن با رهبری استاد سیاف بیشتر تحکیم و انجسام یافت برای داکتر غنی به ظاهر یک چالش بزرگی را بمیان آورده است. اگر داکتر غنی از توان مدیریت این گروه موفقانه بر آید راه برای استقرار حاکمیت و حکومتداری خوب باز میگردد در غیر آن بعید نخواهد بود که داکتر غنی مبدل به پنسل پاک فعالیت های نامشروع و ناکارآمد این گروهها شود و تاریخ دردناک داکتر نجیب یکبار دیگر تکرار خواهد شد. این گروهها در سایه حمایت حامد کرزی چاق، نیرومند و صاحب سیاست و اقتصاد شدند اما در آخر روز حکومت حامد کرزی را دیسکریدت و منفور خطاب کردند. اکنون سخت در تلاش اند همین سیاست خیانت سیاسی و اخلاقی را در برابر حکومت داکتر غنی نیز تجربه کنند. داکتر غنی باید بداند که این گروهها پابند و متعهد ثبات سیاسی، حسن نیت سیاسی و صداقت در سیاست قطعاً نیستند. خیانت سیاسی، بد رفتاری سیاسی، سیاست توطیه و حذف در فلسفه وجودی این گروهها بعنوان یک اصل اصلی سیاسی مطرح است و اصلاح آن دشوار نه بلکه ناممکن خواهد بود.

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ